

و شرکت‌های فراملی و چندملیتی واگذار شود اما در شرایط ویروس کرونا، روشن شد که دولت‌ها برای قرنطینه کردن، اعطای بسته‌های مالی و کنترل انضباط اجتماعی نقش بی‌بدیلی دارند. در خلال بحران، بسیاری کشورها از تعهدات منطقه‌ای و جهانی دست کشیدند و نهادهای بین‌المللی از انجام تکالیف خود در قبال کشورهای عضو بازماندند. یک دولت نیرومند و مستقل، به مراتب در مدیریت بحران کارآمدتر است و نخبگان سیاسی ایران نباید از این نکته غافل شوند.

## ۲-۵. اصلاح طلب - اعتدالی

اصلاح‌طلبان معتقدند اکنون وضعیت استثنائی و خاصی است و اگر مداخلات گسترده‌ای برای دولت تعریف شده، نباید برای پساکرونا باقی بماند. با وجود این، اقتدار دولت امر پیش‌بینی شده‌ای در ایده دموکراسی است که با نظارت مردمی، حاکمیت قانون و تفکیک قوا توازن می‌یابد. همچنین شیوع کرونا مانند بحران گرم شدن زمین، بحرانی جهانی و مسئله مشترک همه دولت‌ها و ملت‌ها بوده، عبور از آن منوط به سیاست همگرایی و همکاری‌های بین‌المللی است. چنانکه «یووال نوح هراری» نویسنده آثار پرفروش چند سال اخیر می‌گوید، «آنچه یک پزشک ایتالیایی در میلان کشف می‌کند، ممکن است بعد از ظهر همان روز در تهران جان عده‌ای را نجات دهد؛ اما برای اینکه این اتفاق رخ دهد، نیازمند یک روح همکاری جهانی و اعتماد هستیم. کشورها باید با اشتیاق اطلاعات خود را هم‌رسانی کرده و با فروتنی توصیه‌های دیگر کشورها را بپذیرند».

## ۶. سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

### ۱-۶. جریان انقلابی

بحران کرونا به یکی از پرمناقشه‌ترین مباحث بین‌جریانات سیاسی در ایران دامن زد: «تمدن غرب، نظام جهانی، رهبری آمریکا و آینده چین». جبهه سیاسی انقلاب بر این باور است که تمدن غرب در سال‌های اخیر رو به افول بوده و کرونا بر شتاب این افول افزوده است. همان‌طور که «ریچارد هاس» رئیس شورای روابط خارجی آمریکا تأکید می‌کند: «یکی از مشخصه‌های بحران کنونی، فقدان نقش رهبری جهانی آمریکا است. آمریکا نتوانست دنیا را در تقلا برای مقابله با ویروس یا تأثیرات اقتصادی آن

با یکدیگر همراه کند». آمریکا نه فقط از پس رهبری جهانی بر نمی‌آید، بلکه با توجه به آمار سرسام‌آور شیوع و مرگ‌ومیر ناشی از کرونا، به لاک خود فرورفته است!

نظام جهانی در حال عبور از نظم تک‌قطبی است و نگاه به شرق باید جایگزین غرب‌گرایی شود. جالب آن است که تا دیروز شرقی‌ها و ملل مستعمره متهم به توهم توطئه بودند و اینکه ریشه همه‌چیز را در جایی خارج از خود به دشمن خیالی ارجاع می‌دهند؛ اما اکنون خود غربی‌ها به این ورطه افتاده‌اند. دموکرات‌ها می‌گویند پیروزی ترامپ کار روسیه بود و جمهوری خواهان هم کرونا را محصول آزمایشگاه‌های دولتی چین معرفی می‌کنند! منافع ملی و سیاست خارجی آدابی دارد و باید سنجیده پیش رفت؛ نباید با آمریکایی‌هایی هم‌داستان شد که ترس از چین خواب را از چشمشان ربوده است و اکنون در حسرت تجربه چینی‌ها برای کنترل بیماری، آن‌ها را متهم می‌سازند.

### ۲-۶. اصلاح طلب - اعتدالی

اصلاح‌طلبان تمدن غرب را محکم‌تر از آن می‌دانند که با حوادث زودگذری نظیر کرونا تکان بخورد. حرکت از نظام تک‌قطبی به چندقطبی حرف قابل تأملی است؛ اما نباید با جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق اشتباه گرفته شود. چین از حیث

♦

**در تصویر کلان، اصلاح‌طلبان  
انفعالی‌تر و جریان انقلابی  
بی‌پروا تر وارد عرصه تحلیل ابعاد  
سیاسی و اجتماعی بحران کرونا  
شده‌اند. البته اختلافات سیاسی  
در کشور برای کوتاه‌مدت هم  
که شده، مقداری کاهش یافت  
و بحرانی که نظام، مردم و  
گروه‌های سیاسی را به یک اندازه تهدید می‌کرد،  
مابه یکپارچگی شد. شش محور گفته شده  
بخشی از جدل‌های سیاسی  
داخلی را در قبال بحران کرونا  
پوشش می‌دهد.**

♦

تمدنی، فاقد قدرت معنایی و الگوهایی از سبک زندگی است که کشورهای دیگر را در پی خود بکشاند. در موضوع کرونا، «فوکویاما» استدلال می‌کند که «نظام اقتدارگرای چین جلوی جریان آزاد اطلاعات را گرفت. این کار به تأخیر در واکنش و تشدید بیماری دامن زد که گویای کژکارکردی اقتدارگرایی است. شواهدی هست که اگر سه هفته زودتر دنیا خبردار می‌شد، تلفات کرونا به ۵ درصد اوضاع فعلی نمی‌رسید». اصلاح‌طلبان با آگاهی از شرایط تحریمی و تکیه ایران به چین از یکسو و سیاست خارجی کلان نظام در همکاری با شرق از سوی دیگر، موضوع کرونا را بهانه کرده‌اند تا چین‌ستیزی را در ذهن جامعه ایرانی جا بیندازند. آن‌ها می‌دانند که انتقاد از چین با عکس‌العمل شدید جریان انقلابی روبه‌رو می‌شود؛ پس هرگاه بخواهند طرف مقابل را آچمز کنند و در موضع تدافعی بنشانند، آن را مطرح می‌سازند. ممکن است با ختم بحران، غربی‌ها به صورت رسمی پرونده‌های سیاسی و حقوقی علیه چین برای دریافت غرامت باز کنند و برخی جریان‌های دنباله‌رو داخلی نیز نظام را تحت فشار بگذارند تا به این کمپین بپیوندند.

### ۷. جمع‌بندی

در تصویر کلان، اصلاح‌طلبان انفعالی‌تر و جریان انقلابی بی‌پروا تر وارد عرصه تحلیل ابعاد سیاسی و اجتماعی بحران کرونا شده‌اند. البته اختلافات سیاسی در کشور برای کوتاه‌مدت هم که شده، مقداری کاهش یافت و بحرانی که نظام، مردم و گروه‌های سیاسی را به یک اندازه تهدید می‌کرد، مابه یکپارچگی شد. شش محور گفته شده بخشی از جدل‌های سیاسی داخلی را در قبال بحران کرونا پوشش می‌دهد. بدیهی است که آنچه به‌عنوان دیدگاه دو جریان آورده شد، دیدگاه غالب بوده و صداهای حاشیه‌ای و خلاف جریان اصلی لحاظ نشده است. برای اینکه بدانیم موازنه سیاسی در داخل متأثر از کرونا چگونه خواهد شد، باید محورهای شش‌گانه را ابتدا به تفکیک و سپس در کنار هم تحلیل کنیم تا برآیند کلی استخراج شود و ضمن اینکه هنوز در درون بحران نفس می‌کشیم، شناخت دقیق‌تر آثار آن زمانی خواهد بود که خاتمه یابد و ما با فاصله گرفتن از آن، چارچوب تحلیلی خود را بسازیم.